

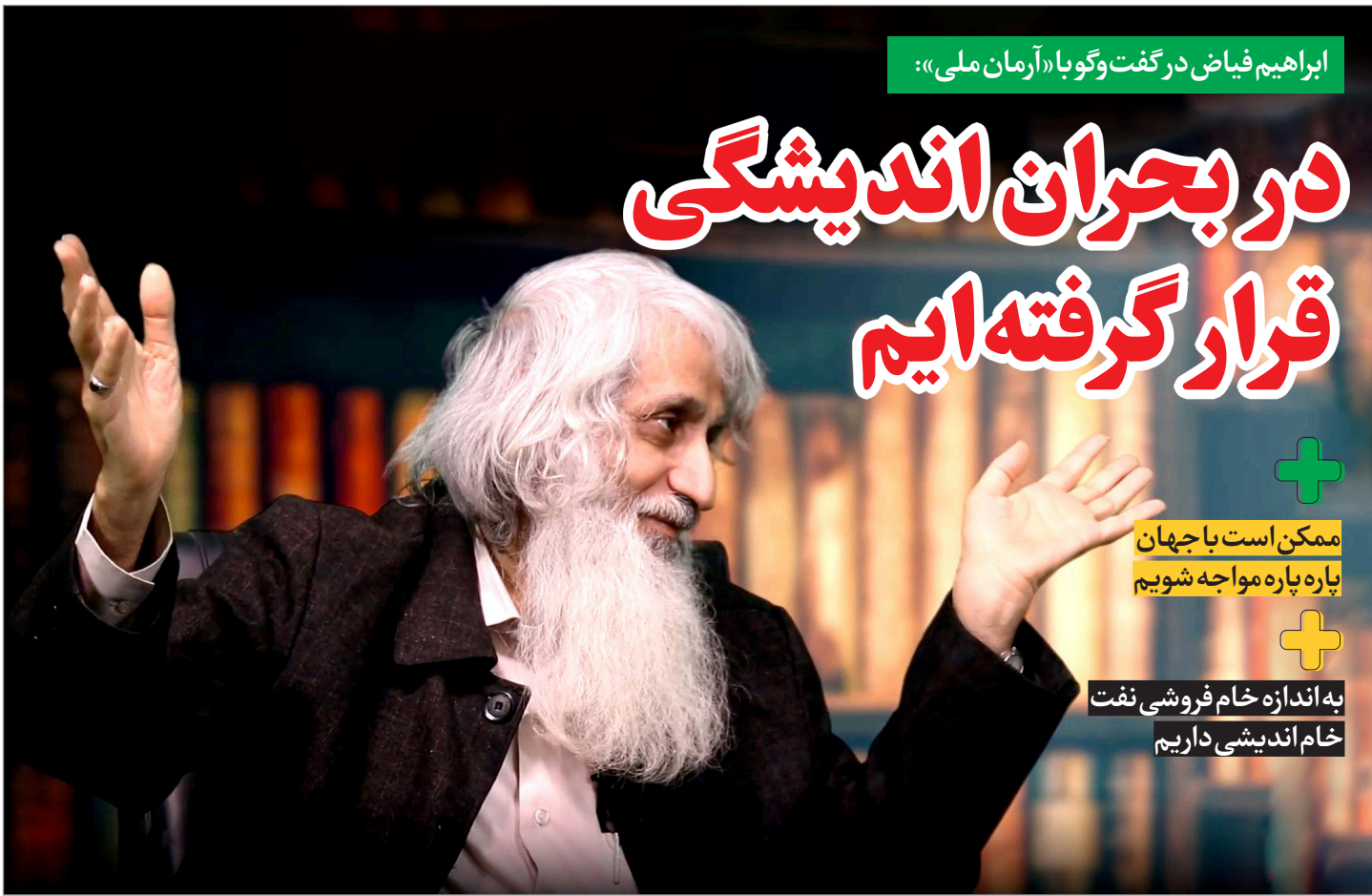
یادداشت

دوران گذار از حکومت‌های
هنجارگذار



محمد جواد غلامرضا کاشی
استاد دانشگاه علامه طباطبایی

در دوران مدرن نظام‌های اخلاقی گوناگون با هم گفت‌وگو و مناقشه کرده‌اند. اما فایده‌گرایی در عمل به ویژه در عرصه سیاست داترمدار امور بوده و هست. اگر قرار بر اصالت فرد و عینیت بخشی به آزادی است، فایده‌گرایی زبان بیانگر سرشت اخلاقی آدمی خواهد بود. کانت پیش از همه با فایده‌گرایی سر ناسازگاری داشت، اما خود می‌دانست نظام اخلاقی او به کار گروه اندک نخبگان می‌آید. مردمان متعارف بیشتر تابع سود و زیان و لذت و رنج فردی هستند تا تبعیت از اصول عقلانی اخلاق. فایده‌گرایی در ساختن جهان مدرن نقش مهمی داشته و دارد. تحولات اقتصادی و تکنولوژیک و برون افتادن از نظم‌های قدیم، به مدد اصل اخلاقی فایده‌گرایی اتفاق افتاد. اما به سهم خود زخم‌ها و رنج‌های عمیقی هم به بار آورد. از جمله آنها نقش آفرین کردن دولت در هنجارمندسازی نظم اجتماعی و سیاسی است. او که مهم‌ترین فیلسوف دولت‌افزایی است، به نحو طنزآمیزی حکومت را منشاء صورت‌بندی اخلاق فایده‌گرا کرد. فایده‌گرایی در سطح فردی و جاهت اخلاقی ندارد. هنگامی که گفته می‌شود هر فرد در جهت کاستن از بار رنج و افزودن بر خوشی‌ها و منافع خود تلاش می‌کند از یک واقعیت انسانی سخن می‌رود که هست بی‌آنکه لزوماً اخلاقی یا ضد اخلاقی باشد. فایده‌گرایی در سطح جمعی و کلی اخلاقی می‌شود آنجا که قرار است بر قاعده «بیشترین سود برای بیشترین کسان» عمل کنیم، اما چه کسی یا مرجعی قرار است حساب و کتاب ریاضی تعیین بیشترین سود را برای بیشترین کسان انجام دهد؟ بی‌تردید آنکه قانون‌گذاری می‌کند و در عمل مجری آن است. او باید قاعده مذکور را در صحنه اجتماعی و سیاسی به مرحله عمل بگذارد و افراد را به تبعیت از آن وادار کند. به این ترتیب حکومت مرجع اخلاقی کردن جامعه به حساب قواعد فایده‌گرایانه است. فیلسوفان متعددی در دوران مدرن با بنیاد و اصول اخلاقی او مخالفت کردند اما در اصل با مرجعیت حکومت برای اخلاقی کردن جامعه همراه بنیاد بودند. ناسیونالیسم‌های قرن نوزدهمی، پناهی جز حکومت نداشتند تا به مدد آن ملت‌سازی کنند و اخلاقیات واحد یک ملت را تثبیت کنند. مارکسیست‌های بلشویک برای رها کردن مردم از فرهنگ پیشین و پذیرش فرهنگ و اخلاق سوسیالیستی به دیکتاتوری پرولتاری تکیه کردند. فاشیست‌ها و نازی‌ها هم به یک حکومت پناه آوردند تا جامعه را اخلاقی کنند. اسلام سیاسی نیز وظیفه اخلاقی کردن جامعه را به حکومت سپرد. اینها همه با بنیاد مخالف بودند، اما همه با او در خلق دولت هنجارگذار هم‌داستان شدند. در دوران قدیم، حکومت‌ها هنجارگذار نبودند. جامعه در کلیت خود یک هستی اخلاقی بود و حکومت‌ها هم جزئی از این کلیت اخلاقی محسوب می‌شدند. از گسترش فردیت و خواست آزادی روزافزون گریزی نبوده و نیست. اما تصویر همه از یک جماعت فردیت یافته، یک وضعیت آشنوبناک و غیر اخلاقی و حتی یک وضعیت جنگی است. جان لاک به کلی به فراموشی سپرده شد که اعتقاد داشت افراد ذره‌ای شده می‌توانند مستقل از ساختار قدرت برای خود اجتماعی بنا کنند که نه تنها تابع حکومت نیست بلکه قادر است حکومت را تحت فشار قرار دهد. البته جان لاک ساده‌اندیش نبود و مشکلات و کاستی‌ها را هم می‌دید. برای رفع همین کاستی‌ها تشکیل حکومت را ضروری می‌دید، اما حکومت مرجع اولیه هنجارمند کردن جامعه نبود بلکه رفع‌کننده ناتوانی‌های جامعه بود. همین‌وین. تحولات تکنولوژیک و ارتباطی جدید، دولت‌ها را تضعیف نکرد. شاید از حیث ساختاری و اعمال قدرت و نظارت تقویت هم کرده باشد. اما توان دولت‌ها برای هنجارمندسازی جامعه را تضعیف کرده است. نمونه‌ای از آن را طی ۳ دهه گذشته در ایران تجربه کرده‌ایم. جامعه توان هنجارمند شدن مستقل از اراده سیاسی را پیدا کرده است. این دستاورد مهمی است. جامعه برای نخستین بار این فرصت را پیدا کرده که از قدرت دولت هنجارگذار بکاهد و خود دست به کار ساختن جامعه و هنجارمندسازی آن شود. ما با موقعیت بر ساخته شدن جامعه از پایین مواجهیم. نظام‌های اخلاقی متکی بر دولت، عموماً، تک ذهنی، مرکزدار، خاص‌گرا و دگر ستیزند، اما نظام‌های اخلاقی متکی بر جامعه، متکثر، وابسته به موقعیت‌های خاص جهان زیست و در عین حال متوجه به قلمرو عام انسانی‌اند. اینک نوبت آن است که در مقابل اسلامیت یا ایرانی‌ت مرکزدار، منتظر ایرانی‌ت‌ها و اسلامیت‌های پرشمارا ماکشود به دیگری باشیم. این معجزه‌ای است که در توان جامعه است نه حکومت.



ابراهیم فیاض در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

در بحران اندیشگی
قرار گرفته‌ایم

ممکن است با جهان
پاره پاره مواجه شویم

به اندازه خام فروشی نفت
خام اندیشی داریم

یکی از مهم‌ترین اصول انقلاب اسلامی در ایران بازگشت به خویشتن بود که توسط دکتر شریعتی مطرح شد. با این وجود سرعت توسعه تکنولوژی به اندازه‌ای زیاد است که اجازه نمی‌دهد بازگشت به خویشتن در جامعه ایران شکل بگیرد. اگر به پس از انقلاب نگاه کنیم متوجه می‌شویم که رسانه‌های دیجیتال در طول سال‌های گذشته افزایش پیدا کرده و از سوی دیگر جهان نیز متحول شده است

آرمان ملی - احسان انصاری: «امروز کشورهای جهان به شکل‌های مختلف به دنبال تقویت فاشیسم و دیکتاتوری هستند. این در حالی است که فلسفه در مواجهه با پست مدرنیسم از بین رفته است و جای خود را به نوعی عرفان الحادی داده است. این عرفان نیز در حال بازتولید تئوریک است. به همین دلیل همه جهان به دنبال ارتش مستقل هستند و کشورهایمانند آلمان و ژاپن نیز چنین رویکردی را در پیش گرفته‌اند. به عبارت دیگر جهان در حال حرکت از لیبرالیسم به سمت فاشیسم است. در چنین شرایطی یا جنگ‌ها دوباره در جهان آغاز می‌شود یا اینکه کشورهای جهان در وضعیت صلح مسلح قرار خواهند گرفت. مهم‌ترین پیامد این وضعیت این است که فقر جهانی اوج خواهد گرفت و روز به روز تعداد فقرا افزایش پیدا خواهد کرد.» جملات ذکر شده اظهارات دکتر ابراهیم فیاض، استاد دانشگاه و جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. دکتر فیاض در این گفت‌وگو به مهم‌ترین چالش‌های پیش روی جامعه ایران و جهان امروز پرداخته که در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

جامعه امروز ایران چه از نظر داخلی و چه از نظر بین‌المللی با چالش مواجه شده است. از نظر جامعه شناسی تاریخی چه فرایندی در جامعه ما طی شده که ما به این نقطه رسیده‌ایم؟

واقعیت و مشکل عینی است اما تبدیل شدن آن به مسأله و وضعیت را پیچیده می‌کند. این در حالی است که در فاصله مشکل تا مسأله تئوری نیز وجود دارد. وضعیتی که امروز ما با آن مواجه هستیم وضعیتی است که قبل از مشروطیت و جنگ جهانی اول با آن مواجه بودیم. به نظر من به دلیل سيطرة فلسفه ملاصدراست. در چنین شرایطی فقه نیز شکل تقلیلی به خود می‌گیرد و بیشتر به مسأله‌هایی مانند طهارت و نجاست می‌پردازد که باب آن نیز روز به روز گسترده‌تر شده است. به همین دلیل در زمینه امر به معروف و نهی از منکر و جهاد دیدگاه‌های فقهی اصولی و قوی نداریم. اگر به گذشته مفهوم امر به معروف و نهی از منکر توجه کنیم به این نکته می‌رسیم که این مفهوم نیز در فقه تقلیلی قرار گرفته و کارویژه‌های خود را تا حدود زیادی از دست داده است. به همین دلیل ما در یک وضعیت بحران اندیشگی قرار گرفته‌ایم.

این بحران چه ویژگی‌هایی دارد؟

هنگامی که در این بحران قرار گرفته‌ایم نمی‌توانیم واقعیت‌ها را درک کنیم و واقعیت‌ها را نمی‌بینیم. این وضعیت در علوم انسانی نیز بروز و ظهور بیرونی پیدا کرده است. این در حالی است که علوم انسانی در جهان به معنای عام خود از بین رفته است. یکی از مهم‌ترین اصول انقلاب اسلامی در ایران بازگشت به خویشتن بود که توسط دکتر شریعتی مطرح شد. با این وجود سرعت توسعه تکنولوژی به اندازه‌ای زیاد است که اجازه نمی‌دهد بازگشت به خویشتن در جامعه ایران شکل بگیرد. اگر به پس از انقلاب نگاه کنیم متوجه می‌شویم که رسانه‌های دیجیتال در طول سال‌های گذشته افزایش پیدا کرده و از سوی دیگر جهان نیز متحول شده است. امروز انسان با این سوال مواجه شده که آیا باید به سوژگی انسان حرکت کند یا بزرگی انسان؟ راست‌گرایان در پاسخ به این سوال عنوان می‌کنند که پیشرفت رسانه‌های دیجیتال در جهان باعث شده که باید به سمت سوژگی انسان حرکت کنیم. چپ‌ها در نقد راست‌گرایان عنوان می‌کنند این عده خیال می‌کنند سوزده شده‌اند و انسان در واقع به سمت ابژگی حرکت می‌کند. در واقع یک نوع اعتماد به نفس مجازی در حال شکل‌گیری است. امروز یک جریان ضد غربی علیه تمدن غرب شکل گرفته است. این وضعیت را می‌توان

چرا این اتفاق رخ داد؟

یک نوع راست‌گرایی پس از انقلاب در ایران شکل گرفت. پشتوانه این جریان بازار بود که بعدها در اندیشه دکتر سروش خود را نمایان کرد. کارسروش این است که اندیشه‌های شریعتی را تکه پاره کند. شرایط به شکلی بود که دکتر سروش تئوری قبض و بسط تئوریک شریعت را نیز در دانشگاه امام صادق مطرح کرد. در ابتدا افرادی

احتمال دیگری که وجود دارد این است که جریان جهانی شدن از بین برود و همه جهان تکه تکه شود. این نوعی بازگشت به عقب وحشتناک است که امروز در جهان رخ دادن است. این در حالی است که هیچ اندیشه‌ای نیز در میان نیست. جهان چند قطبی و یا پاره پاره‌ای که شکل خواهد گرفت دیگر وحدت و یک مسیر پر ابهام به حرکت خود ادامه خواهد داد

نگره

اولین روزآزمایی قالیباف و رسایی

سه تحلیل از برکناری خدابخشی

ماجراهای محمد باقر قالیباف و حمید رسایی، موضوع جدیدی نیست؛ اما این بار فرق دارد؛ در جریان و بعد از انتخابات مجلس دوازدهم این درگیری‌ها شدیدتر شده است. ماه‌هاست که رسایی هر تریبونی که به دست می‌آورد از آن برای زدن قالیباف استفاده می‌کند؛ حالا با ایستادن بر رتبه دوم در انتخابات مجلس تهران و دو پله بالاتر از قالیباف، تندتر از همیشه رئیس مجلس فعلی را مورد عتاب خود قرار می‌دهد. در آخرین مورد که تلفاتی هم بر جای گذاشت، پنجشنبه شب بود که از او برای حضور در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دو دعوت شد. رسایی آنجا را محمل خوبی دید تا در یک تریبونی که مخاطبان خوبی نسبت به دیگر برنامه‌های صدا و سیما دارد، ضرباتی بر پیکره سیاسی قالیباف وارد کند. او در بخشی از صحبت‌هایش مدعی شد که رسانه‌ها نسبت به او «انواع و اقسام فحاشی‌ها» را کرده‌اند. رسایی در خلال سخنانش گفت که برخی رسانه‌ها نسبت به او بد اخلاقی کرده‌اند. مجری، مدام از رسایی نام رسانه‌ها را طلب می‌کرد. رسایی هم گفت که روزنامه جوان و خبرگزاری تسنیم علیه او کار و از قالیباف هواداری می‌کنند. و از قالیباف هم به صورت «آن‌ها که می‌خواهند رئیس مجلس بشوند» یاد کرد. بعد از این بود که باز مجری اصرار کرد که چه کسی می‌خواهد رئیس مجلس بشود که این بار بدون لاف‌افه نام محمد باقر قالیباف را بیان کرد. او سپس درباره این دو رسانه گفت که آنها «متصل» به یک نهاد انقلابی هستند و از همین رو برخی فرماندهان ارشد این نهاد انقلابی، نسبت به رویکرد تسنیم و جوان تذکرات محکمی داده‌اند. بسیاری صدا و سیما را نکوهش کردند که اولاً چرا تریبون را در اختیار چنین فردی قرار داده است؛ ثانیاً چرا مجری صدا و سیما، اینگونه اصرار به بردن نام‌ها می‌کند؛ آن هم با این ادبیات و لحن؟

خدابخشی، برکنار می‌شود

جنجال‌های این برنامه دامن‌گیر فردی شد که گفته می‌شود طراح و صحنه‌آرای گفت‌وگوی خبری جنجال آفرین بوده است؛ علیرضا خدابخشی، معاونت سیاسی صداوسیما. او که پسرخاله سعید و وحید جلیلی است، با حکم جلیلی رئیس صدا و سیما از کار برکنار شد و محمدعلی صائب رئیس خبرگزاری صداوسیما با حفظ مسئولیت، سرپرستی معاونت سیاسی را نیز برعهده گرفت. اما نکته مهم این که صائب، مسئول دفتر سعید جلیلی در شورای عالی امنیت ملی بوده است؛ پس پسرخاله وحید جلیلی و سعید برکنار شده و مسئول دفتر سعید جلیلی عهده‌دار این جایگاه شده است. روز پنجشنبه، رسایی غیر از این برنامه، یک بار دیگر هم در توئیتر طعنه‌هایی به سپاه زده بود. رسایی نوشت: «از فرماندهان عالی سپاه (سردار سلامی و سردار نقدی) و رئیس اطلاعات سپاه (حاج کاظم) سیاست‌گزارم که در انتخابات این دوره، اجازه دخالت و سوءاستفاده از این نهاد مقدس به نفع یک جریان سیاسی را ندادند و قاطعانه در برابر معبود قانون شکنان ایستادند. صصانیت سردبیر روزنامه جوان برایم قابل درک است». با وجود آنکه رسایی انتقادات و اتهامات تندی نثار سپاه کرده است، هنوز واکنشی رسمی از سوی این نهاد دیده نشده است. در همین حال دور از انتظار نخواهد بود که تقابل حمید رسایی و قالیباف در روزها و ماه‌های آینده تندتر شود و احتمالاً در جریان انتخابات هیات رئیسه مجلس در خرداد ماه آینده به اوج خودش خواهد رسید. قالیباف هم - با توجه به اخباری که هرچندگاهی از زندگی شخصی خود و خانواده‌اش به بیرون درز کرده - این بار نسبت به ۴ سال قبل بسیار آسیب‌پذیرتر خواهد بود. او دیگر قالیباف قبل از انتشار درخواست اقامت دائم کانادای پسرش نیست و نخواهد بود؛ همانطوری که او قالیباف بعد از افشای ماجرای سفر خانواده‌اش به استانبول نبود.

سه تحلیل از برکناری معاون سیاسی صداوسیما

اما در این بین، یک نکته مهم وجود دارد؛ و آن برکناری معاون سیاسی صدا و سیماست. این برخورد با حساس‌ترین و سیاسی‌ترین معاونت صدا و سیما می‌تواند از سه منظر تحلیل شود. نخست آنکه با برکناری یا استعفا می‌تواند معاونت سیاسی صدا و سیما و جایگزینی فردی با همان طرز تفکر نشان می‌دهد که اراده‌ای برای کنار گذاشتن افکار تندروانه وجود ندارد و آنها احتمالاً برای کم کردن فشارهای بیرونی دست به چنین تغییری زده‌اند. البته که در اینجا نباید فشارهای حامیان قالیباف بر راحتی گذشت. احتمالاً در پس پرده جلیلی، تحت فشارهایی برای تغییر خدابخشی بوده که نهایتاً منجر به همین امر شد. در اینجا می‌توان نتیجه گرفت که هنوز هم قدرت حامیان قالیباف قابل توجه است؛ اما در عین حال، نفوذ افراد و نزدیکان فکری متمایل به دو برادر جلیلی نیز زیاد است. دومین تحلیل بر اساس سخنان مقام رهبری در همان روز پنجشنبه است. در این سخنان آمده بود: «سخنان اختلاف‌انگیز، دعوا راه‌اندختن‌ها و ستیزه‌گری‌های دشمن‌پسند، موجب تلخ شدن شیرینی تشکیل مجلس جدید» می‌شود. حضرت آیت‌آ... خامنه‌ای همچنین تأکید کرده بودند «منتخبان مجلس جدید مراقبت کنند و نگذارند شیرینی تشکیل مجلس در کام مردم و فضای سیاسی با طراوت کشور تلخ شود، ضمن اینکه اگر مجلس دچار دعوا و ستیزه و مقابله و جبهه‌بندی‌های گوناگون شود، از کار اصلی خود بازمی‌ماند.» بر این اساس، طرفداران این تحلیل معتقدند برکناری معاون سیاسی صدا و سیما، ناشی از عملی شدن همین سخنان است. نفس این برکناری، نشان می‌دهد که این تصمیم و تذکر بسیار جدی‌تر از این حرف‌هاست. برخی هم با نگاه شکانانه به ماجرا نگاه می‌کنند و معتقدند این جابه‌جایی از قصد و برای زیر فشار افکار عمومی بردن قالیباف بوده است. به این صورت که با برکناری معاون سیاسی بعد از سخنان رسایی در تلویزیون، برنامه‌ای بوده تا نیروهای قدرت‌های حامی قالیباف مهم به عدم تحمل انتقاد کنند و فشار رسانه‌ای بیشتری بر او وارد بیاید.